

# سلسله مباحث اخلاقی

(تأملاتی اخلاقی)

جلد اول

به قلم

شیخ حبیب سعیدی

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام)

نام کتاب	سلسله مباحث اخلاقی
نام کتاب اصلی	السلسلة الأخلاقية
نویسنده	شیخ حبيب سعیدی
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (عج)
نوبت انتشار	اول
تاریخ انتشار	۱۴۰۲
تاریخ انتشار کتاب اصلی	۱۴۳۲ق/۲۰۱۱م
کد کتاب	۱۴
ویرایش ترجمه	اول

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن رحمته  
به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

[www.almahdyoon.co](http://www.almahdyoon.co)

[www.almahdyoon.com](http://www.almahdyoon.com)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فهرست

۵	.....تقدیم
۶	.....مقدمه
۹	.....هدف متعالی برای انسان
۱۳	.....سرگردانی بنی اسرائیل
۱۷	.....قرآن به تکامل تشویق می کند
۲۱	.....تمسک به ثقلین
۲۷	.....انتخاب از آن خداست یا مردم؟
۳۵	.....سعادت فقط در قرآن است، نه چیز دیگر
۳۹	.....به راستی خدا با نیکوکاران است
۴۵	.....شُکر خالق

# تقديم

به آن ستاره درخشان ...

به آن مجهول النسب، و تمنای اهل ذکر...

به جوان ترین، ناشناس ترین اهل بیت علیهم السلام...

و به آن که بیشترین رنج و سختی را تحمل می کند...

این چند سطر را به سید و مولایم بقية الله در زمینش تقديم می کند...

و به سبب تقصیر و کوتاهی هایم طلب عفو و بخشش دارم...

امید با منت خود پذیرا شود...

## مقدمه

این اندک سخنان را از باب تذکر و یادآوری بیان می‌کنم - چراکه یادآوری مؤمنان سودمند است - پس از اینکه دانستم و دیدم کسانی هستند که با کنار گذاشتن قرآن و اهل بیت علیهم السلام سمّ گشوده در شهد شیرین تزریق می‌کنند و به خورد مؤمنان می‌دهند؛ درحالی که مطلوب، فقط و فقط برگرفتن از ثقلین بوده است، نه هیچ چیز دیگر؛ زیرا هرچیز دیگری غیر از ثقلین، دقیقاً خودِ باطل است؛ و بعد از حق چیزی جز گمراهی آشکار نیست.

از خداوند متعال مسئلت دارم این اندک کلمات را به لطف پنهان خود و به حق شایسته‌ترین و عزیزترین خلائق - محمد و آل محمد علیهم السلام - مایه سود و منفعت برای من و برای برادران مؤمنم - آن طالبان حق و دارندگان فطرت سالم و بدون تکلف - قرار دهد؛ چراکه افرادی هستند که سخنانشان شیرین‌تر از عسل است ولی قلبشان تلخ‌تر از زهر، یا کسانی که با زبان بازی حلاوت و شیرینی به شما می‌دهند ولی زهری تلخ همچون نیش مار به شما تزریق می‌کنند، حال هر شکل و شمایل خارجی که می‌خواهند داشته باشند؛ و این پناه بر خدا - دقیقاً خودِ نفاق و دورویی است.

از خداوند متعال مسئلت دارم سخن و عمل ما را یکی گردانند، و در سخن ما فضیلتی بر عملمان نباشد؛ و ما را از صادقین همراه با محمد و آل محمد علیهم السلام قرار دهد.

شیخ حبیب سعیدی

۱۳ جمادی الاول ۱۴۲۵ ق

[۱۱ تیر ۱۳۸۳ ش]

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ الإِصْبَاحِ، دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَزَعُدُ السَّمَاءُ وَ سَكَّانُهَا، وَ تَزْجَفُ الأَرْضُ وَ عَمَّارُهَا، وَ تَمُوجُ الْبِحَارُ وَ مَنْ يَسْبُحُ فِي غَمْرَاتِهَا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ، يَا مَنْ مَنْ رَكِبَهَا، وَبَعَثَ مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَقَدِّمَ لَهُمْ مَارِقٌ، وَالمُتَأَخِّرَ عَنْهُمْ زَاهِقٌ، وَالأَلَزِمَ لَهُمْ لَاحِقٌ.

سپاس و ستایش مخصوص خداوند پروردگار جهانیان است، آن مالک مُلک، جاری کننده کشتی های وجود، مسخر کننده بادها، شکافنده صبحگاهان، حکم فرمای روز جزا، و پروردگار عالمیان. سپاس و ستایش خدایی را که آسمان و ساکنانش از خشیت او به غرش می آیند، و زمین و ساکنانش به لرزه می افتند، و دریاها و هر آنچه در اعماقش شناورند به تلاطم درمی آیند. بارخدا یا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، آن کشتی های روان در اقیانوس های ژرف؛ هرکه بر آن سوار شود ایمنی یابد، و هرکه آن را رها کند غرق شود؛ پیش افتاده از آنان از دین خارج، و عقب مانده از آنان نابود، و همراه با آنان رسیده به حق است.



# هدف متعالی برای انسان

انسان به خاطر هدفی عظیم و والا خلق شد، و این هدف چیزی نیست جز شناخت نعمت‌دهنده حقیقی؛ و شناخت و معرفت به معنی دانشی است که عمل را به دنبال داشته باشد؛ زیرا هرگاه انسان ارزش چیزی را بداند به اندازه قدر و منزلت آن، برای به دست آوردنش تلاش می‌کند؛ مثلاً اگر بداند در فلان جا گنجی از طلا پنهان است و در جایی دیگر گنجی از قیر مدفون است، اگر انسان به دنبال مال و ثروت باشد بی‌تردید سعی و تلاش خود را در جهت رسیدن به گنج طلا به کار می‌بندد تا دست‌یابی به گنج قیر؛ زیرا می‌داند ارزش طلا بسیار بیشتر از ارزش قیر است؛ پس به اندازه شناخت و معرفتی که از طلا دارد در جهت رسیدن به آن تلاش می‌کند.

در حدیثی قدسی آمده است: «من گنج پنهانی بودم؛ دوست داشتم شناخته شوم، پس مخلوقات را آفریدم.»<sup>۱</sup>

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۲</sup> (و جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند).

عبادت محقق نمی‌شود مگر با شناخت. پس خداوند عزوجل ما را آفرید تا او را بشناسیم؛ و این شناخت و معرفت راه‌هایی دارد؛ از جمله، از طریق خود (نفس): «هرکس خودش را بشناسد به راستی پروردگارش را شناخته است.»<sup>۳</sup>

و نیز از طریق نشانه‌های آفاقی: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ

۱. شرح اصول کافی، مازندرانی: ج ۱ ص ۲۴.

۲. ذاریات: ۵۶.

۳. عوالی اللئالی: ج ۴ ص ۱۰۲.

۱۰ ..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) سلسله مباحث اخلاقی، جلد ۱

أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْلَمَ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۱﴾ (به زودی نشانه‌های خود را در افق‌های گوناگون] و در دل‌هایشان برایشان نمایان خواهیم ساخت تا برایشان روشن شود او حق است. آیا کافی نیست پروردگار تو خود شاهد هر چیزی است؟!).

و می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾<sup>۲</sup> (مسلماناً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب‌وروز برای خردمندان نشانه‌هایی است).

و می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ﴾<sup>۳</sup> (و بدانید] این است راه راست من؛ پس، از آن پیروی کنید، و از راه‌ها پیروی نکنید که شما را متفرق می‌کنند).

از اهل بیت (علیهم‌السلام) روایت شده است، فرموده‌اند: راهی که خداوند به پیروی از آن امر کرده، امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. حق تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾<sup>۴</sup> (تو فقط هشداردهنده‌ای، و هر قومی هدایت‌کننده‌ای دارد).

پس رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هشداردهنده، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) هدایتگر به سوی صراط مستقیم است؛ و هدایت‌کننده بعد از ایشان (علیهم‌السلام) فرزندش امام حسن (علیه السلام) و بعد از او امام حسین (علیه السلام) است. از ائمه (علیهم‌السلام) چنین معنایی روایت شده است: «قرآن همچون خورشید و ماه در گردش است؛ پس همان‌گونه که برای اولین ما جاری بود برای آخرین ما نیز جاری خواهد بود.»<sup>۵</sup>

۱. فصلت: ۵۳.

۲. آل عمران: ۱۹۰.

۳. انعام: ۱۵۳.

۴. رعد: ۷.

۵. عیاشی با سند خود از ابوجعفر (علیه السلام) روایت کرده است، فرمود: «قرآن در سه بخش نازل شده است: ثلث آن درباره‌ی ما و دوستداران ماست، ثلث آن درباره‌ی دشمنان ما و دشمنان افراد قبل از ماست، و ثلث دیگر سنت و مثل است. اگر

هدف متعالی برای انسان ..... ۱۱

و این راه مستقیم و ریسمان محکم الهی در زمان ما، قائم علیه السلام است: ﴿إِلَّا بِحَبْلِ مَنْ اللَّهِ وَحَبْلِ مَنْ النَّاسِ﴾<sup>۱</sup> (مگر به ریسمانی از خدا و ریسمانی از مردم).

همان امام مظلوم از یاد رفته، از یاد رفته، و از یاد رفته؛ همان کسی که یادی از او نمی‌شود؛ آن ولی الله اعظم، محمد بن حسن عسکری علیه السلام؛ همان که یگانه راهی است که ما را به معرفت الهی می‌رساند و خدا را به ما می‌شناساند. حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾<sup>۲</sup> (و واسطه‌ای به سوی [نزدیکی به] او بجویید).

این واسطه، محمد و آل محمد علیهم السلام و امام مهدی علیه السلام است که اکنون تمثیل خداوند بر روی زمین و واسطه فیض الهی برای تمام مخلوقات است. در زیارت جامعه کبیره آمده است: «سلام بر جایگاه‌های معرفت خدا، سلام بر مسکن‌های ذکر خدا، سلام بر آشکارکنندگان امر و نهی خدا، سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا، سلام بر استقراریافتگان در رضایت‌های خدا، سلام بر مخلصان در فرمانبرداری از خدا، سلام بر راهنمایان به سوی خدا، سلام بر آن بزرگوارانی که هرکه دوستشان دارد خدا را دوست داشته و هرکه دشمنشان دارد خدا را دشمن داشته است، و هرکه آنان را بشناسد خدا را شناخته و هرکه آنان را نشناسد خدا را شناخته است، و هرکه به آنان چنگ بزند به خدا چنگ زده و هرکه آنان را رها کند خداوند عزوجل را رها کرده است.»

به‌راستی هر مقطعی از این زیارت نیازمند تدبری عمیق است؛ و تمامی این صفات با مولا و سرورمان ولی عصر علیه السلام (جانمان به فدای مقدمش) جلوه‌گر شده است.

---

آیه‌ای درباره جماعتی نازل می‌شد و سپس آن جماعت می‌مردند آن آیه نیز می‌مرد و از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند؛ ولی مادام که آسمان‌ها و زمین برقرار است ابتدای قرآن بر آخرینش در جریان است، و برای هر قومی آیه‌ای هست که خیر و شر را از آن برایشان می‌خواند.» تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۱۰ ح ۷.

۱. آل عمران: ۱۱۲.

۲. مائده: ۳۵.



# سرگردانی بنی اسرائیل

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَدَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاصِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ﴾ (و ذوالنون،  
آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت ما هرگز بر او قدرتی نداریم).

یونس علیه السلام با خشم و غضب بسیار به مدت چند روز قوم خود را ترک کرد، و پس از رفتنش به قومش وعده نزل عذاب داد. هنگامی که آن قوم نشانه‌های آمدن عذاب را دیدند از کار خود پشیمان شدند و توبه کردند و پیامبرشان را تصدیق کردند، اما او را نیافتند. پس به پیشگاه خداوند طلب بخشایش و تضرع کردند تا خداوند عذاب را از آنان دفع کرد و یونس علیه السلام را به سوی آنان بازگرداند.

اکنون به تفاوت‌های میان اُمت یونس علیه السلام و اُمت مهدی علیه السلام که امامشان تمام این مدت از آنان غایب شده است بنگرید: «شما قدم به قدم، و وجب به وجب- بر سنت آنان که قبل از شما بودند حرکت خواهید کرد؛ به گونه‌ای که از طریق آنان تخطی نمی‌کنید، و سنت بنی اسرائیل از شما جدا نخواهد شد.»<sup>۲</sup>

یونس علیه السلام روزهای اندکی غایب شد، در حالی که امام مهدی علیه السلام قرن‌هاست غایب شده است، و یونس علیه السلام پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل بود، و عیسی علیه السلام برتر از وی بوده است؛ زیرا عیسی علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزم بوده است، و عیسی علیه السلام پشت سر ولی عصر محمد بن حسن عسکری علیه السلام نماز می‌خواند. اُمت یونس علیه السلام امتی کوچک حدود صد هزار نفر یا بیشتر بودند، در حالی که امت اسلامی از یک میلیارد مسلمان هم بیشتر است. اُمت یونس علیه السلام استاد و معلمشان یونس علیه السلام بود، و اُمت محمد صلی الله علیه و آله استاد و معلمش محمد صلی الله علیه و آله بوده است، پس علمشان به فضل محمد و آل محمد علیهم السلام بیشتر از دیگر امت‌هاست؛ اما با وجود تمامی این

۱. انبیاء: ۸۷.

۲. بحار الانوار: ج ۱۳ ص ۱۸۰.

فضیلت‌ها هرگز کاری را که اُمت یونس (علیه السلام) کردند انجام ندادند، و هرگز از روی صدق و پاکی نیت و اخلاص برای رسیدن به صراط مستقیم، امام خود را طلب نکردند! پس این اُمت همواره در سرگردانی و گمراهی بوده‌اند درحالی که خود آگاه نبوده‌اند، همان‌طور که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره‌اش فرموده است: «اُمت من سرگردان می‌شوند همان‌گونه که بنی اسرائیل سرگردان شدند.»<sup>۱</sup>

بنی اسرائیل به دلیل اطاعت نکردن از دستورات موسی (علیه السلام) گمراه شدند و مدت گمراهی‌شان چهل سال طول کشید، و اُمت محمد (صلی الله علیه و آله) و علی و مهدی (علیه السلام) را می‌بینید که چگونه به امامشان پشت کرده‌اند و بدتر از همه گمان می‌کنند رفتار خوبی را در پیش گرفته‌اند. حق تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا \* الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾<sup>۲</sup> (بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم \* آنان کسانی‌اند که کوشششان در زندگی دنیا به هدر رفته درحالی که خود می‌پندارند کار خوب انجام می‌دهند).

یونس بن ضبیان می‌گوید: از اباعبدالله (علیه السلام) شنیدم می‌فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: خداوند عزوجل می‌فرماید: «وای بر کسانی که دین را وسیله کسب دنیا می‌کنند، و وای بر کسانی که مردمی را که به قسط امر می‌کنند به قتل می‌رسانند، و وای بر کسانی که مؤمن در میان آنان با تقیه رفتار می‌کند. آیا به من دروغ می‌بندید یا به من جسارت می‌کنید؟!»

---

۱. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، شما قدم‌به‌قدم، و وجب‌به‌وجوب بر سنت آنان که قبل از شما بودند حرکت خواهید کرد؛ به‌گونه‌ای که از طریق آنان تخطی نمی‌کنید، و سنت بنی اسرائیل از شما جدا نخواهد شد.» تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۳۰۳.

امیر المومنین (علیه السلام) فرموده است: «... اما شما سرگردان می‌شوید همان‌گونه که درباره عهد موسی بن عمران (علیه السلام) سرگردان شدند؛ و سوگند به جانم پس از من سرگردانی شما چندین برابر بنی اسرائیل خواهد شد.» کافی: ج ۸ ص ۶۶ ح ۲۲.

۲. کهف: ۱۰۳ و ۱۰۴.

به عزت و جلالم سوگند آنان را دچار چنان فتنه‌ای گردانم که حکیم در آن حیران می‌ماند.»<sup>۱</sup>

سعد بن ظریف، از ابوجعفر باقر علیه السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرموده است: «هرکس دوست دارد همچون انبیا زندگی و همچون شهدا شهید گردد و در بهشت‌هایی که رحمان آن‌ها را کاشته است ساکن گردد، باید علی علیه السلام را پیروی کند و سرپرستی او را بپذیرد و به ائمه بعد از او علیهم السلام اقتدا کند. به راستی آنان عترت من هستند که از گِل و سرشت من خلق شده‌اند. خداوند به آنان فهم و علم مرا عطا کن؛ و وای بر روی گردانان امتم از آنان علیهم السلام. خداوند شفاعت مرا نصیبشان مگردان.»<sup>۲</sup>

هرکس این حدیث را می‌شنود یا می‌خواند می‌گوید: من پیرو علی علیه السلام و ائمه بعد از او علیهم السلام هستم. بیایید اندکی بر آن درنگی داشته باشیم. اگر امت پیرو امام واجب الطاعة باشد در این صورت از اوامر و نواهی او اطاعت می‌کنند، و به این ترتیب آن امت اولیای خدا و امام علیه السلام خواهند شد؛ و اگر چنین شوند خداوند و امام نیز آنان را دوست می‌دارند، و اگر خداوند آنان را دوست بدارد آیا ولیّشان را از آنان دور می‌کند؟! بنابراین امت به سبب ارتکاب گناهان و عدم اطاعت از اوامر و نواهی خداوند متعال و حجت بر خلقت استحقاق آن را ندارد که امام را ببیند و از فرماندهی او برای رسیدن به رستگاری بهره‌مند شود.

پس امت اسلامی است باید بیدار شود و هوشیار گردد، و با صدق نیت و صفای درونی امام خود را بطلبد، و به پیشگاه خداوند واحد قهار رؤف رحیم تضرع کند، و به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه معصوم علیهم السلام و امام مهدی مظلوم علیه السلام متوسل شود، و شب و روز و در هر صبحگاه و شامگاه و بعد از هر نماز و در هر وقت، آمدن امام خود را از خداوند متعال درخواست کند؛ اما با تأسف دین‌مداران -چه برسد به دیگران- در طلب کسی غیر از امامشان برآمده‌اند و برای استمرار فرماندهی خود تا به امروز شعار انتخابات را سر

۱. البرهان: ج ۱ ص ۲۷۱.

۲. کافی: ج ۱ ص ۲۰۸ ح ۳.

می دهند. گویا آن‌ها از امام غایبی که فرمانده الهی‌شان است بی‌بهره‌اند، و هرگز نام او را نمی‌برند و خواهان تعجیل در فرجش از سوی خداوند متعال نیستند، و برای مقام و منصب او - که از زمان پدران بزرگوارش (علیهم‌السلام) در طول دوران غصب شده است- زمینه‌سازی نمی‌کنند و به مظلومیت حضرتش هیچ التفاتی ندارند.

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «خداوند تبارک و تعالی به ابراهیم (علیه السلام) تولد فرزندی از ساره را بشارت داد. ساره گفت: چگونه من می‌توانم بزایم در حالی که پیرزنی بیش نیستم؟! خداوند به ابراهیم (علیه السلام) وحی کرد: او خواهد زایید، و فرزندانش به خاطر نپذیرفتن کلام من عذاب خواهند شد. فرمود: هنگامی که عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد چهل صبح به درگاه الهی به گریه و زاری پرداختند. خداوند به موسی و هارون وحی کرد تا آنان را از فرعون خلاص کنند. پس خداوند صد و هفتاد سال را از [انتظار] آنان کاست.» و امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اگر شما نیز چنین می‌کردید خداوند در گشایش و فرج ما تعجیل می‌کرد، اما این امر آن قدر طول می‌کشد تا به انتهایش برسد.»<sup>۱</sup>

\*\*\*

# قرآن به تکامل تشویق می کند

حق تعالی می فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾<sup>۱</sup> (آیا در قرآن نمی اندیشند؛ یا بر دل هایشان قفل ها نهاده شده است).

و می فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾<sup>۲</sup> (آیا در قرآن نمی اندیشند؟! اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند).

حق تعالی می فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾<sup>۳</sup> [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده ایم تا در آیات آن بیندیشند و تا خردمندان پند گیرند).

طبیعتاً انسان از ماده ساخته شده است، و ماده با توجه به ماهیتش - در زمین اقامت می کند. پس از اینکه روح با ماده عجین شد: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾<sup>۴</sup> (پس از روح خود در آن دمیدم) روح در قیدوبند می شود، و از آزادی برای معرفت و علو و رفعت برخوردار نخواهد شد. انسان براساس فطرتش - که خداوند وی را بر آن سرشته است - کمال را دوست دارد، و این غریزه ای است که خداوند در ذات انسان ها به ودیعه نهاده است: ﴿فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾<sup>۵</sup> (همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا را تبدیلی نیست).

از رسول خدا ﷺ نقل شده است، فرمود: «هر نوزادی براساس فطرت [الهی] به دنیا

۱. محمد: ۲۴.

۲. نساء: ۸۲.

۳. ص: ۲۹.

۴. حجر: ۲۹.

۵. روم: ۳۰.

می‌آید، تا اینکه این والدینش هستند که او را یهودی یا مجوس یا مسیحی می‌گردانند.»<sup>۱</sup>

پس لازم است دربارهٔ خودش و دیگر مخلوقاتی که در اطرافش و آسمان‌ها و زمین هستند تفکر کند: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾<sup>۲</sup> (مسلماناً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است).

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾<sup>۳</sup> (و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است برای شما رام کرد. همه از اوست. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است).

و از خودش و از یکدیگر بپرسند علت این خلقت و آفرینش چیست؟! و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾<sup>۴</sup> (آیا پنداشتید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به‌سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید؟).

پس بر انسان واجب است بعد از توکل به خدا در طلب راه‌هایی برای رسیدن به هدفی که به‌خاطرش آفریده شده است اقدام کند.

«خداوند، بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و مرا از آنچه به غیر از تو مشغول می‌دارد رهایی بخش؛ و مرا در آنچه فردا برایش پاسخ‌گو هستم به کار گیر؛ و از ایامش که برایش خلق شدم بهره کافی نصیبم بگردان.»<sup>۵</sup>

راه‌های رسیدن به خداوند - که از اهل بیت (علیهم‌السلام) روایت شده - به تعداد نفس‌های مخلوقات

۱. شرح الاخبار، قاضی نعمان مغربی: ج ۱ ص ۱۹۰.

۲. آل عمران: ۱۹۰.

۳. جاثیه: ۱۳.

۴. مؤمنون: ۱۱۵.

۵. دعای مکارم الأخلاق الصحيفة السجادية.

است. حال که چنین حجم عظیمی از راههایی که به خدا می‌رسند وجود دارد پس چقدر ما کوردل هستیم؟! و ما در چه غفلتی غرق شده‌ایم؟! ولا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

در هر حال بر انسان واجب است در طلب این راه‌ها برآید. هرچند این راه‌ها از او دور نیست، اما این انسان است که به سبب دچار شدن به آلودگی‌های ماده خود را از آن‌ها دور ساخته، و روح و عالم غیب را نادیده گرفته است؛ همان عالم غیبی که اصل و اساس وجود او در این عالم و عالم دیگر است.

\*\*\*



# تمسک به ثقلین

رسول خدا ﷺ و اهل بیتش علیؑ به شدت به تمسک جستن به ثقلین - که قرآن و عترت طاهره علیؑ هستند - و عمل به آنچه آن‌ها امر کرده‌اند و نهی از آنچه آن‌ها نهی کرده‌اند سفارش کرده‌اند. رسول خدا ﷺ فرموده است: «من در میان شما دو چیز گران‌بها باقی می‌گذارم، کتاب خدا و دیگری عترتم اهل بیتم. تا هنگامی که به آن دو تمسک جوید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید.»<sup>۱</sup>

امام صادق علیؑ فرموده است: «حافظ قرآن که به آن عمل کند همراه با فرشتگان بزرگوار نیکوکار است.»<sup>۲</sup>

همچنین امام صادق علیؑ فرموده است: «آنچه باعث هلاکت مردم شده، متشابه است؛ زیرا آنان از معنایش چیزی نمی‌دانند و حقیقتش را نمی‌شناسند؛ پس برای آن تأویل و تفسیرهایی با آرا و نظر خودشان ارائه کردند، و با این کار از پرسشگری دربارهٔ مسائل از اوصیایی که آنان را آگاه سازند بی‌نیازی جستند.»<sup>۳</sup>

از این احادیث درمی‌یابیم ثقلین از یکدیگر جدا نمی‌شوند و قرآن بدون امام حجت سودی نخواهد رساند. چنین معنایی در احادیث آمده است: «خدا به وسیلهٔ سلطان از کارهایی جلوگیری می‌کند که به وسیلهٔ قرآن بازداشته نمی‌شوند.»<sup>۴</sup> و بهرهٔ امام نیز بدون قرآن کامل نخواهد شد. پس آن‌ها یعنی ثقلین - هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا اینکه در حوض به رسول خدا ﷺ وارد شوند. پس هرگاه اُمت گمراه و دچار ضلالت شود و سردرگم و حیران باشد اُمتی خواهد بود

۱. المسترشد، طبری: ص ۵۵۹.

۲. کافی: ج ۲ ص ۶۰۳ ح ۲.

۳. بحار الانوار: ج ۹۰ ص ۱۲.

۴. فتح القدیر، شوکانی: ج ۳ ص ۲۵۲.

که به ثقلین یعنی کتاب خدا و عترت- تمسک نجسته است، که اگر تمسک می‌جست این گونه گمراه و متفرق، و طعمه‌ای برای دشمنان نمی‌شد.

اما از رحمت و لطف الهی بر این اُمت آن است که ببا وجود سرپیچی و سرکشی- امام مهدی (علیه السلام) را حفظ کرده است؛ زیرا ایشان (علیه السلام) رحمتی برای عالمیان است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾<sup>۱</sup> (و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم).

درست است که این آیه در شأن و منزلت رسول خدا (ص) نازل شده است، اما ایشان (علیه السلام) چنین معنایی فرموده‌اند: «قرآن همان گونه که برای اولین ما جاری بود برای آخرین ما نیز جاری خواهد بود.»<sup>۲</sup> و امام قائم (علیه السلام) در حال حاضر در مقام جدش رسول خدا (ص) است، و رحمت محمد (ص) در فرزندش (علیه السلام) متجلی شده است. و فیض‌های الهی در هر لحظه به واسطه امام مهدی (علیه السلام) بر خلق نازل می‌شود، و اگر این چنین نبود مخلوقات از هیچ‌گونه روزی- چه روزی‌های مادی و چه معنوی- بهره‌ای نداشتند.

ممکن است شاخه‌ای از این رحمت الهی که نزد امام (علیه السلام) است برای این اُمت جلوه‌گر شود، همان گونه که ائمه (علیهم السلام) از رسول خدا (ص) جلوه‌گر شدند. و این امری ناممکن نیست، بلکه از اقتضای رحمت و عطای الهی است که مستحق شکرگذاری بسیار خداوند سبحان و متعال است.

ممکن است امام غایب ما قبل از قیام خودش فرستاده‌ای بفرستد تا برایش زمینه‌سازی

۱. انبیاء: ۱۰۷.

۲. عیاشی با سند خود از ابوجعفر (علیه السلام) روایت کرده است، فرمود: «قرآن در سه بخش نازل شده است: ثلث آن درباره ما و دوستداران ماست، ثلث آن درباره دشمنان ما و دشمنان افراد قبل از ماست، و ثلث دیگر سنت و مثل است. اگر آیه‌ای درباره جماعتی نازل می‌شد و سپس آن جماعت می‌مرد آن آیه نیز می‌مرد و از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند؛ ولی مادام که آسمان‌ها و زمین برقرار است نخستین قرآن بر آخرینش در جریان است، و هر قومی آیه‌ای دارد که خیر و شر را از قرآن برایشان می‌خواند.» تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۱۰ ح ۷.

کند و راه مستقیم را برای مردم تبیین نماید، و شرط نیست این فرستاده حتماً طبق خواسته‌های مردم بوده باشد. در گذشته نیز مردم به رسول خدا ﷺ اعتراض کردند و گفتند: ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نَزَلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ﴾<sup>۱</sup> (و گفتند چرا این قرآن بر مردی بزرگ از [آن] دو شهر نازل نشده است).

به قریش بنگرید که چگونه خودشان خواهان تعیین رسول خدا بودند، و می‌خواستند رسالت از طریق یکی از بزرگان و ثروتمندان و بزرگ‌مردانشان بیاید. سبحان الله، تاریخ دوباره تکرار می‌شود!

حق تعالی می‌فرماید: ﴿أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾<sup>۲</sup> (پس چرا هرگاه فرستاده‌ای، چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد تکبر ورزیدید؛ پس گروهی را دروغ‌گو خواندید و گروهی را کشتید).

بنی‌اسرائیل نیز می‌خواستند نبی خاتم ﷺ از خودشان باشد؛ در غیر این صورت نه سرپرستی‌اش را می‌پذیرفتند و نه از او پیروی می‌کردند؛ و این چنین در تاریخ سنت شده است، همان‌طور که پروردگار خبر می‌دهد: ﴿فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾<sup>۳</sup> (هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت).

قریش امروز نیز همان سخنان قریش دیروز را می‌گویند؛ اینکه چرا امام مهدی (عج) فرستاده‌ای از علما و مجتهدین یا اشخاص معروف دارای منصب‌های دنیوی بی‌ارزش متعفن را گسیل نمی‌دارد؟! گویا قرآن را نمی‌خوانند که می‌فرماید: ﴿إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾<sup>۴</sup> (اگر فاسقی برایتان خبری آورد به‌نیکی واری کنید).

۱. زخرف: ۳۱.

۲. بقره: ۸۷.

۳. فاطر: ۴۳.

۴. حجرات: ۶.

یعنی حتی اگر او شخص فاسقی هم بوده باشد پناه بر خدا. خداوند ما را بدون هیچ‌گونه پیش‌داوری و شتاب‌زدگی به تکذیب‌نکردن وی فرمان می‌دهد، و بر ماست که درباره آن خبر تحقیق کنیم. آیا آن‌ها نمی‌توانند کاری را انجام دهند که دلفا دختر یکی از رؤسای عشایر عرب انجام داد؟! وقتی رسول خدا (ص) «جویر» را - که مردی فقیر بود - به‌سوی پدر دلفا فرستاد تا دلفا را از او خواستگاری کند پدر دلفا از این کار سرباز زد و قبیله او به این کار رضایت نداد و به جویر گفتند: رسول خدا (ص) راضی نمی‌شود دختر بزرگ قبیله با مرد فقیری مثل تو ازدواج کند، و تو دروغ می‌گویی که از طرف محمد (ص) فرستاده شده‌ای. دلفا به سخنان پدر و عشیره خود اعتراض کرد و به پدرش گفت: پدر، اگر در صداقت این مرد شک دارید شخصی را به‌سوی رسول خدا (ص) بفرستید تا از این امر مطمئن شوید؛ زیرا شایسته نیست فرستاده پیامبر خدا محمد (ص) را بدون هیچ تحقیقی تکذیب کنیم. پدر دلفا خود به دیدار رسول خدا (ص) رفت و رسول خدا (ص) به او امر کرد دلفا را به نکاح جویر درآورد، و پدر نیز امر پیامبر (ص) را اطاعت کرد و دلفا را به همسری جویر درآورد.

احترام‌گذاشتن شما به هر خبری که از امام (علیه السلام) برسد به‌معنای احترام به خود امام (علیه السلام) است. آیا از خصوصیات اخلاقی شماست که هنگام رویارویی با صاحب‌خبر، او را تکذیب کنید و به او ناسزا بگویید، درحالی‌که او به شما می‌گوید من فرستاده‌ای از طرف امام مهدی (علیه السلام) به‌سوی شما هستم. اما این موضع‌گیری برای کسی که تاریخ و احوال امت‌های پیشین را مطالعه کرده باشد یا توصیف احوال مردم را هنگام قیام امام مهدی (علیه السلام) خوانده باشد چندان جای شگفتی نخواهد داشت.

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «... سپس پرچم را [پرچم امام مهدی را] به اهتزاز درمی‌آورد؛ پس در مشرق و مغرب کسی باقی نمی‌ماند مگر اینکه آن پرچم را لعنت می‌کند، درحالی‌که آن پرچم، پرچمی است که در روز بدر، جبرئیل برای رسول خدا (ص) نازل کرده بود.»<sup>۱</sup>

بر ماست که در شناخت عقیده خود آزاداندیش باشیم، و به دنبال علم حقیقی باشیم نه علم پوسته‌ها و کلمات آراسته آهنگین که برای بیهودگی ارائه شده‌اند. پس برای رفع تشنگی جسم و روحمان باید از چشمه صاف، آب گوارا برگیریم، و خود را از تعلقات بت‌پرستانه رها کنیم تا از جمله کسانی نباشیم که خواسته‌های نفسانی خودشان را به خدایی گرفته‌اند؛ و اگر چنین نکنیم ارواح ما به نابودی کشیده می‌شود و در زمره چهارپایان قرار می‌گیریم و حتی بسیار پست‌تر از آنان می‌شویم: ﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾<sup>۱</sup> (آنان جز همانند ستوران نیستند، بلکه گمراه‌ترند).

آیا این عاقلانه است انسان عاقل این روح متعالی را که از عالم ملکوت است به نابودی بکشاند: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾<sup>۲</sup> (و از روح خود در آن دمیدم)؛ همان روحی که خداوند در وجود ما قرار داد تا به وسیله آن ارتقا یابیم و به صف فرشتگان و حتی بالاتر دست یابیم؛ زیرا انسان به فضل خداوند متعال- دارای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بسیار بزرگی است: ﴿صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَتَكُمْ﴾<sup>۳</sup> (شما را صورتگری کردیم؛ و چه نیکو صورتگری کردیم). و ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾<sup>۴</sup> (و به راستی ما انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم).

رسول خدا ﷺ چنین معنایی فرموده است: «خداوند انسان‌ها را بر سه گروه آفرید: گروهی همچون چهارپایان‌اند. حق تعالی می‌فرماید: ﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يَبْصُرُونَ بِهَا﴾<sup>۵</sup> (دل‌هایی دارند که با آن‌ها درک نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند)؛ و گروهی از آنان بدن‌هایی همچون بدن‌های بنی‌آدم دارند ولی ارواحشان ارواح شیطانی است؛ و گروه دیگر همانند فرشتگان در

۱. فرقان: ۴۴.

۲. حجرات: ۲۹.

۳. غافر: ۶۴.

۴. تین: ۴.

۵. اعراف: ۱۷۹.

سایه الهی هستند در آن روزی که برای هیچ کسی سایه‌ای جز سایه او وجود ندارد.»<sup>۱</sup>

شعر زیر به امیرالمؤمنین (علیه السلام) منتسب است:

فرزندم، برخی انسان‌ها چهارپایانی‌اند .... در صورت انسان، صاحب چشم و گوش

اگر مالش دچار نقصان شود ماتم می‌گیرد ... اما اگر به دینش آسیب رسد اهمیت ندارد<sup>۲</sup>

\*\*\*

---

۱. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «خداوند انسان‌ها را بر سه گروه آفرید: گروهی همچون چهارپایانند؛ و گروهی بدن‌هایی همچون بدن‌های بنی آدم دارند ولی ارواحشان ارواح شیطانی است؛ و گروه دیگر همانند فرشتگان در سایه الهی هستند در آن روزی که برای هیچ کسی سایه‌ای جز سایه او وجود ندارد.» بحار الانوار: ج ۶۰ ص ۲۹۲.

۲. مراجعه کنید به: انوار العلوویه، نقدی: ص ۴۸۴.

# انتخاب از آن خداست یا مردم؟

بر هر صاحب بصیرتی واجب است نعمت فطرت الهی را پاس بدارد و آن را پاک و پاکیزه بگرداند، نه اینکه آن را با رذایل اخلاقی آلوده سازد؛ زیرا خداوند ما را آفریده تا با معرفت و شناخت به سوی خودش و توحید حقیقی اش عروج کنیم؛ شناخت و توحیدی که از طریق اهل بیت عصمت علیهم السلام یا کسی که در مقام آنان علیهم السلام قرار گرفته است حاصل می شود نه از طریق کسی که هوا و هوسش را پیشوای خودش قرار داده است؛ زیرا بسیاری از تمایلات و امیال انسان ها حیوانی هستند.

حق تعالی می فرماید: ﴿وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ﴾<sup>۱</sup> (و اگر از بیشتر کسانی که در زمین هستند پیروی کنی تو را گمراه می کنند).

شما می بینید بیشتر مردم تاب و تحمل حق را ندارند، یا حق را فقط در صورتی می پذیرند که از جهتی که خودشان دوستش دارند و به آن تمایل دارند بیاید؛ اما هرگاه حق از جهتی به سویشان بیاید که انتظارش را ندارند آن را رد و انکار می کنند و کوچک می شمارند. گویا سخن پروردگار را نشنیده اند که می فرماید: ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾<sup>۲</sup> (خدا بهتر می داند رسالتش را کجا قرار دهد)؛ و نیز می فرماید: ﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ﴾<sup>۳</sup> (آیا آنان اند که رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟).

اهل بیت علیهم السلام فرموده اند: «چه بسا شخص ژولیده غبارآلود زنده پوشی باشد که از درها رانده می شود ولی وقتی به خدا سوگند یاد کند خداوند او را اجابت می کند.»<sup>۴</sup>

۱. انعام: ۱۱۶.

۲. انعام: ۱۲۴.

۳. زخرف: ۳۲.

۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «آیا به شما از اهل بهشت خبر ندهم؟» گفتند: بله ای رسول خدا. فرمود: «شخص

همچنین فرموده‌اند: «خداوند اولیای خودش را در میان خلق خود پنهان کرده است. پس مبادا هیچ‌کدام از آنان را تحقیر کنید، شاید او یکی از اولیای خدا باشد.»<sup>۱</sup>

آیا مردم در تعیین یا برگزیدن اولیای الهی حق دارند؟! پس این قوم را چه شده است که هیچ سخنی را درک نمی‌کنند: ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾<sup>۲</sup> (بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده است رشک می‌ورزند).

پس تمامی ما که اهل منیت و حسادت و کینه‌ورزی و درگیر رذایل متعدد هستیم باید از رذایل اخلاقی پاک شویم و به اخلاق حسنه‌ای که به آن امر شده‌ایم آراسته گردیم؛ و این امکان‌پذیر نیست مگر با علم و عمل و اخلاص، نه با مکر و نیرنگ و عوام‌فریبی و تظاهر به دین‌داری؛ زیرا در این صورت، وضعیت ما همانند گوری می‌شود که ظاهرش آراسته و زیباست اما درونش مُرداری بدبو است. هرکدام از ما باید یک انسانی حقیقی باشیم، نه گرگی درنده: «آن‌ها گرگ‌هایی هستند که پوستین (انسان) بر تن کرده‌اند؛ سخنانشان شیرین‌تر از عسل است ولی قلب‌هایشان تلخ‌تر از حنظل.»<sup>۳</sup>

ما در این زمانه همان‌گونه که شاهد هستید چه بسیار از طرف اشخاصی به‌عنوان اهل

---

غبارآلود ژنده‌پوشی که دو جامه بیش ندارد و به او توجه نمی‌شود، ولی اگر به خدا سوگند یاد کند سوگندش اجابت می‌شود.» التحصین، ابن‌فهد: ص ۱۹.

۱. از محمد بن مسلم، از ابو جعفر (علیه السلام)، از پدرانش، از علی (علیه السلام) نقل شده است، فرمود: «خداوند چهار چیز را در چهار چیز پنهان کرده است: رضایت خود را در اطاعتش پنهان کرده است، پس اطاعت خدا را به هیچ‌وجه کوچک نشمارید؛ چه بسا مورد رضای او باشد و شما ندانید. خداوند خشمش را در نافرمانی‌اش پنهان کرده است؛ پس معصیت خدا را به هیچ‌وجه کوچک نشمارید؛ چه بسا موافق خشم او باشد و شما ندانید. خداوند اجابت خود را در دعایش پنهان کرده است؛ پس دعای او را به هیچ‌وجه کوچک نشمارید؛ چه بسا موافق اجابت او باشد و شما ندانید؛ و ولی خود را در میان بندگان پنهان کرده است؛ پس هیچ‌یک از بندگان خدا را کوچک نشمارید؛ شاید ولی او باشد و شما ندانید.»

وسائل الشیعه (آل‌البیت): ج ۱ ص ۱۱۷.

«دین» فریب خورده‌ایم و نیازی به ذکر موضع‌گیری آنان نیست. و همه این حقیقت را می‌دانند؛ اما همچنان بر آن سرپوش می‌گذارند؛ و به‌زودی به‌خاطر مبارزه‌نکردنتان با این فساد پنهان گسترده بازخواست خواهید شد، و به‌زودی در روز گواهان به‌سبب کتمان شهادت بازخواست خواهید شد.

می‌بینید آنان مرتکب گناهان و رذایل اخلاقی بسیاری می‌شوند که قابل شمارش نیست، و روح خود را با آداب شریعت مقدس تربیت نمی‌کنند؛ بلکه بر اعمال پلید خود جامه و هاله‌ای از قداست می‌پوشانند، و برای آن صدها برده و بنده کوری که از شناخت حقیقتی که برای هر صاحب بصیرتی پوشیده نیست غافل‌اند خدمت می‌کنند.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ (در حقیقت چشم‌ها کور نیست، لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است).

چرا ما خود را از برکت و هدایت ثقلین محروم می‌سازیم، درحالی‌که ما دیروز به آن نیازمند بودیم، و امروز بسیاری از مسلمانان به تقلید از غرب کافر روی آورده‌اند. حال و روز ما امروز فراتر از هر تصویری تأسف‌بار و خجالت‌بار است؛ درست مثل کسی هستیم که آب در دست دارد اما از شدت عطش در شرفِ هلاکت است! این شریعت از میراث اهل بیت علیهم‌السلام و باقی‌مانده آل محمد علیهم‌السلام در دست‌های ماست؛ پس چرا از چشمه پاک و زلال نوشیم تا قلب‌های مرده‌مان زنده شود، و دین خود را از یاهوگویی‌های رجال برنگیریم! درحالی‌که چنین معنایی از اهل‌بیت علیهم‌السلام روایت شده است: «هرکس دین خود را از دهان‌های رجال برگیرد آن رجال نابودش می‌کنند؛ و هرکس دین خود را از قرآن و سنت برگیرد نابودش کوه‌ها آسان‌تر از نابودشدن دین او خواهد بود.»<sup>۲</sup>

۱. حج: ۴۶.

۲. مراجعه کنید به: وسائل الشیعه (آل‌البیت): ج ۲۷ ص ۱۳۲، که در آن آمده است: امیرالمومنین علیه‌السلام فرموده است: «هرکس دین خود را از دهان‌های مردان برگیرد آن مردان هلاکش می‌کنند؛ و هرکس دین خود را از کتاب و سنت

پس ما باید خودمان در دینمان جست‌وجو کنیم نه اینکه به دیگران تکیه داشته باشیم [تا بر ایمان تصمیم بگیرند]؛ دیگرانی که بارها و بارها آزموده‌ایم و فقط سخنان بیهوده‌ای از دین را از آنان شنیده‌ایم و فقط می‌گویند «چنین است و چنان است» و به خاطر ترس از دست‌دادن مناصب دینی و اجتماعی‌شان حق را پنهان داشته‌اند. آن‌ها سعی کرده‌اند دربارهٔ بسیاری از علما و مؤمنین دروغ‌پردازی، و حق را دفن کنند، ولی آیا توانسته‌اند؟ هرگز، و هزار بار هرگز.

و اکنون آنان با وقاحت تمام کسی را که با امام مهدی (علیه السلام) دیدار داشته است تکذیب می‌کنند: ﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّأ أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۱</sup> (می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل گرداند، هرچند کافران را خوش نیاید).

اگر از سر اطاعت و فرمانبرداری او را تصدیق نکنید جز شمشیر برای شما باقی نخواهد ماند، یا اینکه زیر سایهٔ شمشیر ایمان می‌آورید و «طُلُقًا» (آزادشدگان به زور شمشیر) این زمان خواهید شد.

پس هنگامی که این مرد فرستادهٔ امام مهدی، سید احمدالحسن- با رحمت و رأفت به سوی شما آمده است و شما او را به باد استهزا می‌گیرید، پس از رحمت و رأفت چه انتظاری خواهید داشت؟ آیا عذاب بر تکذیب‌کنندگان نخواهد بود؟! و این همان سنت پیشینیان قبل از شما بوده است.

در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) دربارهٔ آخرالزمان آمده است:

---

بگیرد کوه‌ها فرومی‌ریزند ولی او در هم نمی‌شکند.»

انتخاب از آن خداست یا مردم؟ ..... ۳۱

- «راست‌گو تکذیب می‌شود، و دروغ‌گو راست‌گو شمرده می‌شود، و حيله‌گر مقرب می‌گردد.»<sup>۱</sup>
- «چیزی مخفی‌تر از حق، و چیزی آشکارتر از باطل نخواهد بود.»<sup>۲</sup>
- «معروف را منکر، و منکر را معروف می‌بینید.»<sup>۳</sup>
- «مردم [در آن زمان] همچون چهارپایان می‌شوند.»<sup>۴</sup>
- «و تقریباً عاقلی دیده نمی‌شود.»<sup>۵</sup>

در حقیقت امروز هرکسی که حق و راستی را بیان کند، خود به کفر و سحر و جنون متهم می‌شود؛ و هرچیزی برای مردم شناخته‌شده است غیر از حق، که آن را باطل می‌دانند! حق از نظر آنان فقط چیزی است که به سودشان و موافق خواسته‌هایشان باشد. وقتی یکی از آنها از نظر جسمی بیمار می‌شود می‌بینی قیامتی به پا می‌کند و از رفتن نزد هیچ طبیعی یا روش درمانی فروگذار نمی‌کند، آن هم فقط به خاطر این بدن مادی که پس از اندک‌زمانی متلاشی می‌شود؛ و هیچ توجی به روح خود ندارد که همچون بیماری است که به بیماری بسیار هولناک‌تری نسبت به بیماری بدنی‌اش دچار شده است.

«بارخدا، از تو سلامت و عافیت در دینمان را خواهانیم، همان‌گونه

---

۱. از اصبح بن نباته نقل شده است، گفت: شنیدم علی (علیه السلام) می‌فرمود: «پیش روی قائم سال‌های خدعه‌گری است که در آن راست‌گو تکذیب می‌شود، و دروغ‌گو راست‌گو شمرده می‌شود، و حيله‌گر مقرب می‌گردد.» غیبت نعمانی: ص ۲۸۶.

۲. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده است: «... پس از من زمانی بر شما خواهد آمد که در آن زمان چیزی مخفی‌تر از حق، و چیزی آشکارتر از باطل، و چیزی فراگیرتر از دروغ‌بستن به خداوند متعال و رسول خدا نخواهد بود...» کافی: ج ۸ ص ۳۸۷.

۳. مراجعه کنید به: وسائل الشیعه (آل‌البیت): ج ۱۵ ص ۳۴۸.

۴. مراجعه کنید به: الفتن، ابن‌حماد: ص ۲۶.

۵. مراجعه کنید به: ملاحم و الفتن، ابن‌طاووس: ص ۷۱.

که سلامت و عافیت بدن‌هایمان را خواستاریم.»

درحالی‌که این روح بر عکس بدن مادی تا آنجا که خدا اراده کند باقی خواهد ماند. پس چرا ما قبل از گذشت زمان و ازدست‌رفتن فرصت به فکر نمی‌افتیم، توقفی نمی‌کنیم و به اندیشه نمی‌آییم و حقیقت را در نمی‌یابیم؟! تا زمانی که از مهلتی که در اختیار داریم برخورداریم، و مادام که نفسی می‌آید و می‌رود، و شب و روز درهای رحمت الهی بر رویمان گشوده است برماست که به‌سوی درمان و علاج خویش شتاب کنیم، و این درمان در کتاب خدا و کلام اهل‌بیت (علیهم‌السلام) موجود است؛ دارویی که درمان هر بیماری است.

از رسول خدا (ص) چنین معنایی روایت شده است: «هنگامی که فتنه‌ها همچون پاره‌های شب شما را در بر گرفت بر شما باد مراجعه به قرآن؛ زیرا قرآن شفاعت‌کننده‌ای است که شفاعتش پذیرفته می‌شود، و پند دهنده‌ای است که راست می‌گوید. هرکس قرآن را پیش‌روی خود قرار دهد او را به بهشت هدایت می‌کند، و هرکس آن را پشت سر خود بیندازد او را به جهنم می‌کشاند. قرآن رهنمایی است که به بهترین راه راهنمایی می‌کند، و کتابی است که در آن تفصیل است، و [قرآن] رساننده به مقصود است، و قرآن سخن نهایی است که در آن کژی نیست، و ظاهری دارد و باطنی؛ ظاهرش حکمت‌هاست، و باطنش علم است. ظاهرش گواراست و باطنش عمیق است. قرآن ستارگانی دارد و ستارگانش نیز ستارگانی دارند. عجایبش قابل‌شمارش نیست و غرایبش کهنه نشود. قرآن چراغ‌های هدایت است و نورافشان حکمت است، و راهنمایی برای معرفت است.»<sup>۱</sup>

این رسول خدا (ص) است که به‌خاطر دانشی که از فتنه‌ها و بیماری‌ها و انحرافات آخرالزمان داشته به پیروی از قرآن تشویق کرده است.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ

انتخاب از آن خداست یا مردم؟ ..... ۳۳

إِلَّا خَسَارًا ﴿۱﴾ (و ما آنچه را برای مؤمنان مایه شفا و رحمت است از قرآن نازل می کنیم و [لی] ستمگران را جز زیان نمی افزاید).

\*\*\*



# سعادت فقط در قرآن است، نه چیز دیگر

بسیاری از مردم در پیشرفت‌های مادی بی‌ارزش و هیاهوهای پر زرق و برق دروغینی که هیچ حقیقتی ندارند غرق شده‌اند؛ حال آنکه واقعیت این است که غرب در قلهٔ پیشرفت مادی قرار دارد ولی در عین حال در قلهٔ بیماری نفسانی نیز هست؛ درحالی‌که آن‌ها برای بیماری‌های نفسانی و معنوی خود هیچ دارویی نمی‌یابند، و تا زمانی که به اسلامی صحیح محمدی وارد نشوند هیچ دارویی نخواهند یافت.

رسول خدا ﷺ فرموده است: «به‌راستی دل‌ها زنگار می‌بندد و جلادهنده‌اش قرآن است.»<sup>۱</sup>

همچنین فرموده است: «من میان شما دو چیز گران‌بها به جا می‌گذارم؛ کتاب خدا و عترتم اهل‌بیتم. تا هنگامی که به این دو تمسک بجوید هرگز گمراه نخواهید شد.»<sup>۲</sup>

پس چرا اکنون اُمت، دچار اختلاف و تفرقه شده‌اند و راه‌های مختلفی در پیش گرفته‌اند و یکدیگر را به دروغ‌گویی متهم می‌کنند؟! زیرا اُمت به‌روشنی - وصیت رسول خدا ﷺ را دربارهٔ تقلید ترک گفته، و هرکس طبق منافع و خواسته‌های خودش عمل کرده است؛ وگرنه اگر اُمت به قرآن و عترت طاهر متمسک شده بود به چنین حال‌وروز گریه‌آوری دچار نمی‌شد. شاید کسی بپرسد: مگر نمی‌بینی اُمت اسلامی شب و روز قرآن می‌خوانند، و به یادگیری و آموزش آن اهتمام می‌ورزند؟!

می‌گویم: اما آیا به آن عمل می‌کنند؟ و هر عملی، ثمره‌ای دارد. حال ثمرهٔ عمل به قرآن کجاست؟! تمام سرزمین‌های اسلامی در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و... از

---

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: «به‌راستی دل‌ها زنگار می‌گیرند و جلادهنده‌اش قرآن است.» گفته شد: ای رسول خدا، جلاش چیست؟ فرمود: «قرائت قرآن، و یاد مرگ.» شجرهٔ طوبی: ج ۲ ص ۴۴۲.  
۲. المسترشد، طبری: ص ۵۵۹.

۳۶ ..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) سلسله مباحث اخلاقی، جلد ۱

زمین تا آسمان در همه چیز دچار گسستگی شده‌اند، و اگر مسلمانان به محتوای قرآن عمل می‌کردند راه‌حل را می‌یافتند و کفار بر آنان مسلط نمی‌شدند.

﴿تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾<sup>۱</sup> (به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند بازمی‌دارید)؛ یعنی به آنچه در قرآن کریم آمده است عمل می‌کنید.

«یا مردم شرور بر شما مسلط می‌شوند، و آنگاه برگزیدگانتان دعا می‌کنند ولی برایتان اجابت نمی‌شود.»<sup>۲</sup>

به کتاب خدا بازگردید و در آن تدبّر کنید؛ آنجاکه حق تعالی می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾<sup>۳</sup> (آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند یا [مگر] بر دل‌هایشان قفل‌ها نهاده شده است).

برخی از سرِ ناهمی و نفهمیدن قرآن می‌گویند: ما اکنون در عصر فناوری و پیشرفت تمدنی به سر می‌بریم و قرآن با این پیشرفت علمی هماهنگ نیست!

می‌گوییم: قرآن زنده‌ای است که نمی‌میرد، بلکه این شما هستید که مرده‌اید؛ و قرآن همان‌گونه که اهل بیت (علیهم‌السلام) بیان کرده‌اند همچون خورشید و ماه در حرکت است، و تا زمانی که آسمان‌ها و زمین استوارند منقطع نمی‌شود.

به‌علاوه آنچه شما از آن به عنوان «پیشرفت» یاد می‌کنید تبدیل به عاملی برای ویرانی اخلاقی بشریت به‌سوی قعر دوزخ شده، و هزاران مشکل اجتماعی را باعث شده است، و

۱. آل عمران: ۱۱۰.

۲. از امام علی (علیه السلام) نقل شده است، فرمود: «باید به معروف امر کنید و از منکر نهی کنید؛ وگرنه اشارتان بر شما مسلط می‌شوند، و آنگاه برگزیدگانتان دعا می‌کنند ولی اجابت نمی‌شوند.» کنز العمال: ج ۳ ص ۶۸۳.

۳. محمد: ۲۴.

سعادت فقط در قرآن است، نه چیز دیگر ..... ۳۷

جامعه، مملو از زنازاده‌ها شده، و خانواده‌ها بیشتر اوقات خود را صرف دیدن برنامه‌های ضد اخلاقی و مستهجن می‌کنند که نتیجه‌اش این می‌شود که خواهر از برادر خود حیا نمی‌کند، و برادر هیچ غیرت و همیتی نسبت به خواهرش ندارد، و کودک از همان ابتدای رشد خود چشمان خود را به روی چنین رسوایی‌های اخلاقی می‌گشاید و براساس آن‌ها و به قصد آن‌ها تربیت می‌شود.

زندگی سعادت‌مندانه با تکنولوژی پیشرفته و خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های رنگارنگ حاصل نمی‌شود؛ بلکه با صفای روح ایمانی و سیر در جهت تکامل اخلاقی در نتیجه عبادت راستین خداوند به دست می‌آید.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۱</sup> (و جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند).

نه اینکه بخورند و به لهو و لعب بپردازند و فسق و فجور کنند؛ همان‌طور که «غرب» فاسق شد و اخلاقیات را از دست داد، البته اگر اساساً اخلاقیاتی دارا بوده باشد.

امروز زمین، جنگل حیوانات شده است؛ قوی ضعیف را می‌خورد، و مردم رهبر و پیشوای قرآن شده‌اند و قرآن رهبر آنان نیست؛ و همان‌طور که امام علی علیه السلام خبر داده است قرآن را طبق هوا و هوس و میل خود تفسیر می‌کنند، و آن‌ها را کسی جز امام مهدی علیه السلام اصلاح نمی‌کند، آن هنگام که با شمشیر قیام می‌کند، و منحرفان و آنان که زیر پوشش دین مخفی شده و امت را به فرقه‌هایی پراکنده کرده‌اند درمانده می‌شوند؛ درحالی‌که هر حزبی به آنچه خودش دارد دل شاد است. به پدر و مادرم سوگند امام مهدی علیه السلام خواسته‌ها و آرا را به قرآن بازمی‌گرداند، و به این ترتیب قرآن، یگانه پیشوا و قانون اساسی خواهد شد، نه هیچ‌کدام از

بت‌های بشری که نه زبانی می‌رسانند و نه منفعتی؛ و سعادت حقیقی، پیاده کردن احکام الهی بر روی زمین خواهد بود.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۱</sup> (و اگر مردم شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی آنان تکذیب کردند، پس به [کیفر] کرده‌هایشان آنان را فرو گرفتیم).

و می‌فرماید: ﴿وَالْوِاسْتِقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾<sup>۲</sup> (و اگر [مردم] در راه پایداری می‌ورزیدند قطعاً آبی گوارا به ایشان می‌نوشانیم).

در قرآن تبیان همه‌چیز و داروی هر بیماری هست، ولی دارو چگونه مفید باشد اگر طیب حاذقی نباشد که برای شناخت درد و درمان، خودش را به سختی نیفکنده و برای پروردگارش اخلاص پیشه نکرده باشد؟ درحالی که ما در رذایل غوطه‌ور شده و از فضایل دور شده و از هوی و هوس و آرای خود پیروی کرده و قرآن را پشت‌سر خود انداخته‌ایم؛ ولا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

\*\*\*

---

۱. اعراف: ۹۶.

۲. جن: ۱۶.

# به راستی خدا با نیکوکاران است

فیض‌های الهی شبانه‌روز و بی‌وقفه در حال فرود آمدن و باریدن هستند («یا من يعطی من سأله ومن لم يسأله» «ای کسی که می‌بخشی به کسی که درخواست کند، و به کسی که درخواست نکند.») اما قلب‌های ما واژگونه شده‌اند. پس ما وظیفه دیگری نداریم جز اینکه از این خواب عمیق و طولانی بیدار شویم، و قلب‌های واژگونه خود را به شکل صحیح دگرگون سازیم، و آن را از ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها پاک گردانیم تا از باران فیض الهی، سرشار گردد.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهٗ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْأَمْثَالَ﴾<sup>۱</sup> [همو که] از آسمان آبی فرورستاد؛ پس رودخانه‌هایی به اندازه گنجایش خودشان روان شدند؛ و سیل کفی بلند روی خود برداشت، و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی در آتش می‌گدازند هم نظیر آن کف برمی‌آید. خداوند حق و باطل را این چنین مثل می‌زند؛ اما کف بیرون افتاده، از میان می‌رود، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین [باقی] می‌ماند. خداوند مثل‌ها را این چنین بیان می‌کند).

و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۲</sup> (و کسانی که در راه ما تلاش کرده‌اند به یقین راه‌های خود را به آنان نشان می‌دهیم؛ و به راستی خدا با نیکوکاران است).

ظاهر آیه، دو امر یا دو معنا را می‌رساند:

۱. رعد: ۱۷.

۲. عنکبوت: ۶۹.

اول، جهاد اصغر؛ یعنی جهاد با دشمنان برای دفاع از دین و زمین و و آبرو و ناموس و...؛  
دوم، جهاد اکبر؛ یعنی جهاد با نفس، و تلاش و کوشش در جهت مبارزه با هوا و هوس و تمایل به نافرمانی خداوند متعال.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که «جهاد» به فریضه و سنت تقسیم می شود، و سپس جهاد فریضه را نیز به دو قسم، تقسیم کرده و فرموده است: «اما یکی از این دو فریضه، مجاهده انسان با خودش در برابر معصیت الهی است که بزرگترین جهاد است؛ و مجاهده با کفاری که به شما آسیب می رسانند نیز آن فرض دیگر است.»<sup>۱</sup>

از ائمه (علیهم السلام) روایت شده است: «به راستی برترین جهاد از آن کسی است که با نفس خودش که بین دو پهلویش است جهاد می کند.»<sup>۲</sup>

پس مجاهدت با نفس، برترین جهاد است؛

و آیات کریم قرآن تصریح می کنند به اینکه پاداش مجاهدین، هدایت شدن به راههایی است که به راه مستقیم الهی منتهی می شوند؛ یعنی راههایی که انسان را به راههای خداوند متعال، و نیز راههایی که انسان آنها را نمی شناسد و به آنها راه نیافته است ارشاد می کند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «هرکس به آنچه می داند عمل کند خداوند به او آنچه را نمی داند می آموزد.»<sup>۳</sup>

همچنین روایت شده است: «هرکس به آنچه می داند عمل کند خداوند علمی را که نمی داند به او به میراث می دهد.»<sup>۴</sup>

---

۱. کافی: ج ۵ ص ۹ ح ۱.

۲. وسائل الشیعه (آل البیت): ج ۱۵ ص ۱۶۳.

۳. میزان الحکمة، ریشه‌ری: ج ۳ ص ۲۱۰۷.

۴. بحار الانوار: ج ۶۵ ص ۳۶۳.

به راستی خدا با نیکوکاران است ..... ۴۱

و نیز روایت شده است: «علم نوری است که خداوند در سینه هرکدام از بندگانش که بخواهد می‌تاباند.»<sup>۱</sup>

و روایت شده: «هرکس چهل صبح، خود را برای خداوند خالص گرداند خداوند حکمت را در قلبش می‌جوشاند و بر زبانش جاری می‌سازد.»<sup>۲</sup>

و نیز ثابت شده است خداوند چراغی برای این مجاهدین می‌شود. چقدر انسان سعادتمند خواهد بود اگر همراهش، دوستی مخلص و پاک و مؤمن باشد؛ و سعادتمندتر خواهد بود اگر آن دوست و همراه، یکی از اولیای خداوند متعال باشد؛ و سعادتمندی و سُوروش بیشتر خواهد بود اگر با یکی از پیامبران مصاحبت داشته باشد؛ و این سعادتمندی چقدر بزرگ خواهد بود اگر در همراهی با خدا باشد (ان الله مع المحسنین = قطعاً خدا با نیکوکاران است). پس آیا ما نباید به مصاحبت و همراهی با خداوند متعال و جدا نشدن از او حریص باشیم؟! در حالی که او خالقِ صورتگرِ رحمانِ رحیمِ عزیزِ حکیم است.

بر ماست تفکر کنیم؛ و بسیار تفکر و تدبر کنیم؛ چراکه حیات قلب‌ها در تفکر است، و این قرآن است که بانگ می‌زند و می‌فرماید:

- ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾<sup>۳</sup> (آیا در قرآن نمی‌اندیشند؛ یا بر دل‌ها قفل‌ها نهاده شده است).

- ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَوْجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾<sup>۴</sup> (آیا در قرآن نمی‌اندیشند؛ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند).

۱. مراجعه کنید به: مستدرک سفینة البحار، نمازی: ج ۸ ص ۳۰۵.

۲. بحار الانوار: ج ۶۷ ص ۲۴۹.

۳. محمد: ۲۴.

۴. نساء: ۸۲.

- ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾<sup>۱</sup> (کتابی است مبارک که آن را به سوی تو نازل کرده ایم تا در آیات آن بیندیشند و تا خردمندان پند گیرند).

- ﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ﴾<sup>۲</sup> (آیا در خودشان به تفکر نپرداخته اند؟! خداوند آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دو هست جز به حق و تا هنگامی معین نیافریده است؛ و [با این وجود] بسیاری از مردم لقای پروردگارش را سخت منکرند).

- ﴿الَّذِينَ يَذُكَّرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾<sup>۳</sup> (همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند [که] پروردگارا این ها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو؛ پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار).

هاشم بن حکم گوید: ابوالحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) در حدیثی طولانی به من فرمود: «ای هشام، برای هرچیزی دلایلی است؛ و دلیل عقل تفکر، و دلیل تفکر خاموشی و سکوت است.»<sup>۴</sup>

همچنین از اباعبدالله (علیه السلام) روایت شده است، فرمود: امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمود: «با تفکر قلب خود را هوشیار کن؛ و در تاریکی شب برای خداوند سجده بگذار، و تقوای الهی را پیشه

۱. ص: ۲۹.

۲. روم: ۸.

۳. آل عمران: ۱۹۱.

۴. وسائل الشیعه (آل البیت): ج ۱۵ ص ۱۹۶.

خود ساز.»<sup>۱</sup>

از حسن صیقل نقل شده است، گفت: از ابو عبدالله علیه السلام درباره اینکه مردم روایت می کنند «یک ساعت تفکر بهتر از شب زنده داری است» پرسیدم که چگونه باید تفکر کرد؟ حضرت علیه السلام فرمود: «از خرابه ها و خانه های خالی گذر کن و از آن ها بپرس ساکنان شما کجایند؟ کسانی که تو را بنا کردند کجا رفته اند؟ چرا شما سخن نمی گویند؟!»<sup>۲</sup>

امام رضا علیه السلام فرموده است: «عبادت به معنی نماز و روزه بسیار نیست؛ بلکه عبادت فقط تفکر در امر خداست.»<sup>۳</sup>

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است، فرمود: «برترین شما نزد خداوند کسی است که بیشتر گرسنه است و بیشتر تفکر می کند؛ و مبعوض ترین شما نزد خدا کسی است که همواره در حال خوردن و خوابیدن است.»<sup>۴</sup>

ابن عباس گفته است: عده ای درباره خداوند تفکر می کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «درباره خلقت خدا تفکر کنید، و درباره [خود] خدا تفکر نکنید؛ زیرا شما قادر به درک او نیستید.»<sup>۵</sup>

از امام صادق علیه السلام نقل شده است، فرمود: «تفکر آئینه خوبی ها، کفاره گناهان، روشنی دل ها، گشاده رویی در اخلاق، موفقیت در اصلاح آخرت، آگاهی از عواقب، و فزونی در علم است؛ و خصلتی است که خداوند با هیچ چیز دیگری همانند آن پرستیده نمی شود.»<sup>۶</sup>

۱. کافی: ج ۲ ص ۵۴ ح ۱.

۲. وسائل الشیعه (آل البيت): ج ۱۵ ص ۱۹۷.

۳. کافی: ج ۲ ص ۵۵ ح ۴.

۴. میزان الحمة، ریشه‌ری: ج ۳ ص ۲۴۳۵.

۵. کشف الخفاء، عجلونی: ج ۱ ص ۳۱۱.

۶. جامع السعادات، نراقی: ج ۱ ص ۱۶۱.



# شکر خالق

تأکید بر تفکر در خلقت خدا، و نهی از تفکر درباره خود خداوند متعال را دیدیم. از طریق تفکر در خلقت خداوند متعال و خلقت این جهان عظیم شگفت‌انگیزی که در نهایت نظم و دقت تنظیم شده، می‌توان فهمید هیچ دانشمند یا پیشرفت یا توسعهٔ تکنولوژی هرگز نمی‌تواند از پس شناخت کامل تنظیم دقیق آن بریاید. این جهان بسیار وسیع است، و این زمین گسترده با هرآنچه در آن هست طبق گفتهٔ کیهان‌شناسان- در برابر این جهان همچون یک ذرهٔ کوچک است؛ و تمامی این خلقت فقط برای بنی‌آدم ایجاد شده است.

«ای فرزند آدم، همه چیز را برای تو، و تو را برای خود خلق کردم.»<sup>۱</sup>

تمامی این هستی و مخلوقات ریز و درشت آن با زبان حال خود ندا می‌دهند «خالق ما خداوند یگانهٔ قهار است»؛ و تفکر دربارهٔ این مخلوقات، نور هدایت را در تاریکی‌های قلب می‌تاباند؛ و هر قدر تفکر افزایش یابد این نور و معرفت نیز فزونی می‌یابد و قلب برای رسیدن به معرفت قلبی حقیقی به حرکت درمی‌آید، حتی اگر انسان با زبان خود چیزی نگوید.

پس اگر تمام مخلوقات با تمام تجهیزات پیشرفته‌ای که با افتخار از آن‌ها یاد می‌کنند و عرضه می‌دارند و با آن‌ها فخرفروشی می‌کنند جمع شوند تا فقط یک سلول یا فقط یک گلبول خونی را که با چشم غیرمسلح دیده نمی‌شود بسازند هرگز نخواهند توانست! چقدر عجز و ناتوانی این انسان حقیر زیاد است، و چقدر قدرت خداوند سبحان و متعال عظیم؛ به‌علاوه وقتی انسان، خالق عظیم جل جلاله خود را بشناسد بر اوست با تمام جوارح و اعضای خود، و در تمامی امور کوچک و بزرگ، و در گرفتاری و آسایش، و در بی‌نیازی و فقر، و در صحت و بیماری، در همه حال به‌سوی او رو کند؛ زیرا اگر او نبود حتی یک لحظه هم زنده نبود، و هیچ

---

۱. مراجعه کنید به، فتوحات المکیه، ابن عربی: ج ۱ ص ۲۹۵.

چیزی وجود نمی‌داشت.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده است: «کمترین وظیفه شما در برابر خدا آن است که از نعمت‌های او در جهت انجام گناه و نافرمانی او استفاده نکنید.»<sup>۱</sup>

و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا﴾<sup>۲</sup> (و اگر نعمت‌های خدا را شماره کنید آن‌ها را نمی‌توانید بشمارید). دقت کنید: «احصاء: شمارش کردن»، نه شکرگزاری.

پس باید از این نعمت‌هایی که خداوند به امانت در اختیار ما قرار داده است طبق خواست و رضایت خداوند جل جلاله استفاده کنیم؛ همان خداوندی که صاحب این نعمت‌ها و خالقشان است.

و واقعاً مایه شرمساری است که شخصی به تو امانتی بدهد و به تو بگوید: از آن هرطور که دوست داشتی در جهت منافع خودت استفاده کن اما در برابر آن فقط یک چیز ساده از تو می‌خواهم؛ اینکه این امانت را آلوده نسازی، و از آن استفاده نابجا نکنی؛ و در این صورت در مقابل این کاری که انجام می‌دهی به تو پاداشی خواهیم داد که همانندی نداشته باشد... اما شما در آن امانت خیانت می‌کنی، و امانتی را که به تو سپرده بود در راهی که صاحبش رضایت نداشته است به کار می‌گیری! و احسان او را با بدی پاسخ می‌گویی! پس ما باید قبل از اینکه بازخواست شویم خودمان را بازخواست کنیم.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾<sup>۳</sup> (پس هرکس هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید \* و هرکس هم‌وزن ذره‌ای

۱. بحار الانوار: ج ۷۰ ص ۳۶۴.

۲. نحل: ۱۸.

۳. زلزله: ۷ و ۸.

بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید).

و در حدیث چنین مضمونی روایت شده است: «در حلال دنیا حساب، و در حرام آن عقاب، و در شبهات آن عتاب است.»<sup>۱</sup>

همه ما این آیات و مضمون این احادیث را می‌دانیم، اما چه کسی از ما هست که کاری وجدانی و صادقانه در برابر خداوند انجام دهد؟ پس ما تا چه اندازه به واسطه مراقبت الهی در خطری عظیم قرار داریم؟!

ما در این دنیای پست و حقیر در غفلت و بی‌خبری به سر می‌بریم؛ دنیایی که در هر ریز و درشتی، و در هر در تکلم و خاموشی، در هر حرکت و سکونی سراسر امتحان و عقوبت است. پس ما باید مراقب هر چیزی که از ناحیه ما صادر می‌شود باشیم؛ زیرا فرشتگان نویسنده، شب و روز اعمال ما را ثبت و ضبط می‌کنند، درحالی که خودمان اعمالمان را فراموش می‌کنیم یا خود را به فراموشی می‌زنیم.

والحمد لله وحده.

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَهْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِضْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾<sup>۲</sup> (خداوند هیچ کسی را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده به سود او، و آنچه [از بدی] به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر. پروردگارا، بار گرانی بر [دوش] ما مگذار، همچنان که بر [دوش] کسانی که پیش

۱. امام حسین مجتبی (علیه السلام) به جناده فرمود: «و بدانید در حلال دنیا حساب، در حرام آن عقاب، و در شبهات عتاب است.» کفایة الاثر، خزاز قمی: ص ۲۲۷.

۲. بقره: ۲۸۶.

۴۸ ..... انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) سلسله مباحث اخلاقی، جلد ۱

از ما بودند نهادهی؛ و ای پروردگار ما، آنچه تاب تحملش را نداریم بر ما تحمیل مکن و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ فقط تو سرور مایی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان).

شیخ حبیب سعیدی